

مجموعه مقالات همایش

امام حسین (علیه السلام)

(تعالیم اخلاقی و عرفانی امام حسین (علیه السلام))



تهران

اسفند ماه ۱۳۸۱

فهرست

نکته‌هایی از تعالیم اخلاقی و تربیتی عاشورا در هدایت جامعه	۹
نکته‌های اخلاقی در عاشورای امام حسین (ع)	۲۱
نگاه عرفانی به کربلا	۵۷
نیایش امام حسین (ع) در روز عرفه	۶۱
نماز عارفانه در شب و روز عاشورا	۸۱
حب الله و فناء فی الله در حیات سیدالشهداء (ع)	۹۷
جرعه‌ای از زلال زیارت عاشورا	۱۲۱
عاشورا و امام حسین (ع) در متون عرفانی «آثار سنایی و هجویری»	۱۳۵
نام نمادین حسین (ع) در ادبیات عرفانی	۱۴۵
تربت امام حسین (ع) و زیارت کربلا	۱۶۳
آخرین نماز سالار شهیدان	۱۹۵
نسل غاوی و چالش‌های تربیت دینی	۲۳۵
امام حسین (ع) و تربیت دینی	۲۷۷
آثار تربت سرور شهیدان (ع) از منظر روایات و فقیهان	۳۰۳
امام حسین (ع) در بیان رسول خدا با تکیه بر منابع اهل سنت	۳۲۳
روان‌شناسی عزاداری	۳۳۷
آموزه‌های اخلاقی قیام امام حسین (ع)	۳۷۳

جرعه‌ای از زلال زیارت عاشورا

حسین مقیسه

سخن آغازین

عاشورا، یاد آور بلندترین فریاد مظلومانه تاریخ و تذکره غلبه خون بر شمشیر است.

عاشورا، تابلویی است که با هنرمندی تمام از یک طرف زیباترین چهره‌های لطافت و شکیبایی، ایثار و از خودگذشتگی و بالاترین پرواز انسان‌های سیراب از معرفت ناب توحید و ولایت را به تصویر کشیده و از جانب دیگر، نهایت پستی و پلیدی را در این زیستگاه طبیعی انسان.

عنصر اصلی در هر دو طرف، اختیار، گزینش و انتخاب آزادانه است: یک انتخاب پای انتخابگر را بر فرق فرقدان نهاده و انتخاب دیگر، انتخابگر را چونان خسی بی مقدار یا پاره زباله‌ای عفن همراه با آوای مستمر لعن و نفرت و نفرین خدا و بندگان صالح و شایسته او به گداخته‌ترین طبقات دوزخ در جمع و جای گاه ناپاکان بدان تاریخ می‌فرستد. و هیچ تابلویی این چنین هنرمندانه، زشت و زیبایی خلقت انسان را انعکاس نداده.

در این بین زیارت عاشورا معرفی نامه یا منشور تبلیغاتی یا انگشت اشارتی است که همواره توجه خواننده و بیننده را بدان تابلو منعطف و متوجه می‌کند و عمق و وسعت ماجرا و آثار تاریخی، تربیتی سیاسی آن را براعت^۱ استهلال می‌نماید. از این جهت، زیارت عاشورا برای عاشوراییان، متنی مقدس و دارای نقشی بی‌بدیل است.

امید است تأمل و گفتن و نوشتن از این زیارت، هر چند در حدی اندک و متناسب با بضاعت مزجاة نگارنده، در ازدیاد معرفت و توجه بیشتر به جای گاه سندی و رجالی و ابعاد و عمق فرازاها و محتوای متن عرشی و بلند آن، مفید و موثر افتد و بهره و بصیرت افزاید و عنایت ثارالله و آقای شهیدان عالم را نصیب کند. با این تصور و ذهنیت، این سطور در سال عزت و افتخار حسینی به همایش سراسری امام حسین (ع) ارائه و تقدیم می‌گردد.

سابقه نقل و رجال سند

قدیمی‌ترین متنی که زیارت عاشورا را آورده، کتاب کامل الزیارات ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی است که متوفای ۳۶۸ یا ۳۶۹ هـ - به اختلاف نقل‌ها - و مدفون در شهر کاظمین عراق است.^۲

متن زیارت را با پنج واسطه از حضرت باقر العلوم (ع) نقل کرده^۳، سپس کتاب «مصباح المتهجد» ابی جعفر محمد بن حسن الطوسی متوفای ۴۶۰ هـ. و مدفون در شهر نجف اشرف است.^۴

۱. معین فرهنگ معین، مادة براعت، ج ۱، ص ۶۹۴؛ الفاظی چند در ابتدای خطبه کتاب و مطلع قصیده که خواننده با خواندن آنها از مقصد و مراد نویسنده و گوینده آگاه گردد.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۳۲۵، باب ۷۱، حدیث ۹.

۴. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۱۳.

این روایت دارای صدر و ذیل است. صدر روایت بر اساس نقل «کامل الزیارات» که اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین است توسط دو نفر به معصوم می‌رسد: یکی علقمة بن محمد حضرمی و دیگری، مالک بن اعین جهنی است. در هر دو طریق، صالح بن عقبه از آنان نقل کرده، منتها در یکی همراه سیف بن عمیره است و در دیگری به تنهایی، به این صورت:

حکیم بن داود بن حکیم از محمد بن موسی از محمد بن خالد از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه از علقمة از امام باقر علیه السلام و محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک الجهنی از امام باقر علیه السلام گرچه نقل «مصابح المتهجد» اندکی متفاوت است: محمد بن اسماعیل بن بزيع از صالح بن عقبه از پدرش یعنی عقبه بن قیس کوفی از امام باقر علیه السلام. ذیل روایت در هر دو کتاب مشترک است: صالح بن عقبه و سیف بن عمیره از علقمة از امام باقر علیه السلام. بررسی اجمالی راویان و رجال سند و سپس نکاتی در متن و محتوای این زیارت، مورد نظر این نوشتار است.

راویان زیارت عاشورا

اگر مبنای مرحوم آية الله العظمی خوئی را در مقدمه کتاب ارزشمند - معجم رجال الحديث - بپذیریم و از جمله رجال سندهای کتاب شریف کامل الزیارات را موثق بدانیم^۱ سند این روایت جز در یک مورد - به توضیحی که خواهد آمد - هیچ اشکال فنی، نخواهد داشت.

بر این مبنا تمام رجال سند، توثیق شده هستند، تنها محمد بن موسی بن عیسی الهمدانی است که توسط نجاشی و ابن الغضائری، و صدوق و دیگران تضعیف شده، گرچه به تعبیر آية الله خوئی توثیق ابن قولویه و قولش در رجال کامل الزیارات، معارض آن

۱. خوئی، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰.

تضعیف است و این تعارض تضعیف و توثیق به تساقط هر دو می‌انجامد و در نتیجه محمد بن موسی، از نظر رجالی مجهول الحال می‌شود.^۱

اما اگر کسی مبنای توثیق عامی مرحوم آیه الله خوئی را بپذیرد، جای دقت و توجه بیشتری در سلسله سند هست که در حد مقدور و توان بدان پرداخته می‌شود:

۱- حکیم بن داود بن حکیم: در کتب رجالی، ظاهراً توثیقی ندارد. تهذیب از او نقل حدیث کرده و با توثیق و تضعیفی همراه نیست.^۲ محدث نوری هم در مستدرک به عنوان یکی از مشایخ ابن قولویه، از او یاد می‌کند.^۳

همین که توثیق عام او با تضعیفی معارض نیست، در اعتبار او کافی است.

۲- محمد بن موسی الهمدانی: مجهول الحال بودن وی در بیان علامه خوئی اشاره شد.

۳- محمد بن خالد الطیالسی: علی رغم این که برخی رجالی‌ها، وی را از مجاهیل شمرده‌اند، ولی علامه نوری در مستدرک پس از ذکر مقدماتی می‌نویسد: «و یظهر من جمیع ذلک انه من اجلاء الرواة و الثقة الاثبات»^۴. از راویان گران قدر و از موثقان و اهل دقت بسیار در ثبت و ضبط احادیث است. سپس اظهار تعجب می‌کند از کسانی که وی را از مجاهیل شمرده‌اند.

۴- محمد بن اسماعیل بن بزیع: شیخ طوسی او را توثیق بلیغ فرموده است^۵ ابن قولویه در کامل الزیارات لا اقل ۵۵ مورد از طریق او نقل حدیث دارد و این کمیت بالا دلیل وثاقت بالای ابن بزیع است مضافاً که در کتب اربعه و سایر کتاب‌ها، حدود ۲۳۰ روایت از طریق او نقل شده.

۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۸۳ و ۲۸۸.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۸۶.

۳. محدث نوری، مستدرک، ج ۳، فائده دهم، ص ۷۹۶.

۴. همان، ص ۸۴۲.

۵. شیخ طوسی، رجال، ص ۴۸۶ فی اصحاب الرضا (ع).

ابن بزيع ظاهراً از وزراى ابي جعفر منصور، خليفه عباسى است و موقعيتى شبیه على بن يقطين در حکومت هارون داشته، رجال نجاشى بياناتى را از حضرت ابي الحسن الرضا^{علیه السلام} در مدح و ستايش محمد بن بزيع نقل کرده که بيانگر اين معنا و جای گاه بسيار والاى اوست^۱. به تناسب نام ايشان، روايت ذيل مفيد به نظر مى‌رسد:

محمد بن على بن بلال که به تعبير علامه خوئى خود از موثقين است^۲، در محل دفن ابن بزيع مى‌گويد: از صاحب اين قبر شنيدم که از ابو جعفر^{علیه السلام} - ظاهراً حضرت جواد^{علیه السلام} - مورد نظر است - شنیده که فرمود: هر کس در زيارت قبر برادر مؤمن خود نزد قبر بنشيند رو به قبله و دست بر قبر گذارد و هفت بار سوره مبارکه قدر را بخواند از بزرگ‌ترين هراس که قيامت باشد ايمن خواهد بود^۳.

حاصل آن که ابن بزيع از ثقات و بزرگان شيعه است. او از صالح بن عقبه نقل کرده وثاقت وی را در قسمت بعدی خواهيم گرفت.

۵- عقبه بن قيس کوفى: پدر صالح از اصحاب امام صادق^{علیه السلام} است^۴. و ظاهراً توثيق و تضعيفى ندارد و از مجاهيل به شمار مى‌رود. عقبه هم صدر روايت را از حضرت باقر^{علیه السلام} نقل کرده است.

در طريق دوم چنان که گفته شد، نقل کننده از امام^{علیه السلام} مالک الجهنى است که همان مالک بن اعين الجهنى و از اصحاب حضرت باقر^{علیه السلام} و به تعبير شيخ مفيد ممدوح آن بزرگوار است^۵. علامه خوئى پس از مطالبى در ارتباط با ايشان نتيجه گرفته: «لا ينبغي الشك في كونه شيعياً امامياً حسن العقيدة و هو ثقة...»^۶ در حسن عقیده و امامى بودن و وثاقت او ترديدى نيست.

۱. نجاشى، رجال، ص ۲۳۳.

۲. خوئى، معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

۳. ابن قولويه، کامل الزيارات، ص ۵۲۹.

۴. خوئى، همان، ج ۱، ص ۱۵۶.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۵۸ به نقل از ارشاد مفيد.

۶. همان.

فراز اصلی روایت

اصل زیارت عاشورای معروف، ذیل این روایت است و در هر دو منبع پیش گفته، یکسان نقل شده، صالح بن عقبه و سیف بن عمیره از علقمه از حضرت باقر (ع) .
 ۶- صالح بن عقبه: در کامل الزیارات، واسطه ۲۷ نقل حدیث است^۱ علامه خوئی پس از مقدماتی می نویسد: «... فالرجل من الثقات»^۲.

محدث نوری هم فرموده: «... ذکرنا الامارات الدالة علی مدحه بل وثاقته»^۳.
 نشانه های وثاقت او را آورده ایم.

۷- سیف بن عمیره: در کامل الزیارات، واسطه بیش از ۱۰ نقل حدیث است^۴.
 علامه خوئی پس از مقدماتی، نقل شهید ثانی در تضعیف او را آورده و فرموده: تضعیف نا موجهی است که منشأ آن، توهم واقعی بودن سیف است و از نظر زمانی نمی تواند، صحیح باشد، علاوه که وقف، منافاتی با وثاقت ندارد بر فرض، واقعی هم باشد، وثاقتش ثابت است^۵.

۸- علقمه بن محمد الحضرمی: از اصحاب حضرت باقر، و ناقل متن اصلی زیارت عاشورا است. ظاهراً تنها روایتی که از او در کتب روایی ما، در دست است، همین روایت زیارت عاشورا است و جز آن روایت دیگری راویاً و مرویاً در دست نیست.
 البته برادرش ابوبکر بن محمد الحضرمی که او هم از رجال کامل الزیارات است و لااقل پنج مورد نقل روایت در آن کتاب دارد^۶، در مجموع منابع روایی ما متجاوز از ۱۲۴ روایت از وی نقل شده^۷، اما از خود علقمه جز این یک مورد، روایت دیگری در دست

۱. ابن قولویه کامل الزیارات، ص ۵۷۷.

۲. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۷۹، ص ۷۹.

۳. محدث نوری، مستدرک، ج ۳، فائده ۱۰، ص ۸۱۲.

۴. ابن قولویه، همان، ص ۵۷۷.

۵. خوئی، همان، ج ۸، ص ۳۶۶.

۶. ابن قولویه، همان، ص ۵۶۳.

۷. خوئی همان ج ۲۱، ص ۶۸.

نیست، محدث نوری فرموده: «یظهر من الکشی فی ترجمه اخیه مدحه»^۱. از شرح حال برادرش که در رجال کشی آمده، ستایش خود علقمه هم فهمیده می‌شود. و ظاهراً این سخن اشاره باشد به برخورد علقمه و برادرش ابوبکر از یک سو و جناب زید بن علی بن الحسین (ع) از سوی دیگر و اینکه نقل این برخورد: بکار بن ابی بکر حضرمی فرزند همان ابوبکر پیش گفته نقل می‌کند که پدرم و عمویم علقمه وارد شدند بر زید بن علی (ع) و عمویم علقمه از پدرم بزرگ‌تر بود، در دو طرف زید نشستند، این ملاقات پس از آن بود که شنیده بودند جناب زید اعلام کرده: از ما اهل بیت کسی که قیام مسلحانه نکند، امام نیست.

پدرم ابوبکر که جری‌تر و جسورتر بود، از زید پرسید: ای ابا الحسین! به من بگو آیا علی بن ابی طالب در دروان سکوت و خانه نشینی خود، امام بود، یا نبود مگر وقتی که قیام به سیف نموده و حکومت را به دست گرفت؟

زید پاسخ نداد تا سه مرتبه سؤال را تکرار کرد و زید هم پاسخی نمی‌داد. ابوبکر گفت: اگر در آن مدت، علی (ع) امام بود (یعنی امامت حضرت به نصب الهی بوده، نه صرفاً به انتخاب و اقبال مردم) پس از او هم، ممکن است کسی امام باشد، گرچه قیام به سیف نکرده باشد و مردم به او روی نیاورده باشند - اشاره به امام باقر (ع) - و اگر در آن مدت امام نبوده و نص و نصبی در کار نبوده، پس چه چیزی شما را به این جاکشانده که زمینه قیام را فراهم کنید و چه چیزی شما فرزندان علی (ع) را بر غیر خودتان فضیلت می‌دهد.

«بکار» می‌گوید، سخن پدرم که به این جا رسید و با این لحن تند، با «زید» سخن گفت. عمویم علقمه از پدرم خواست که صحبت را تمام و معاتبه زید را رها نماید و پدرم ساکت شد^۲.

این نقل فی الجمله متضمن مدح علقمه هست، هم چنان که محدث نوری گفت.

۱. محدث نوری، همان، ص ۸۲۶.

۲. خوئی، همان، ج ۱۱، ص ۱۸۶.

نتیجه این بخش

حاصل و نتیجه نهایی این است که به فرض، مبنای مرحوم آیه الله خوئی (ع) و توثیقات عام ایشان را نپذیریم، روایت زیارت عاشورا، ضعیف نیست و هیچ تضعیفی در هیچ کدام از رجال سند دیده نمی شود. نهایت این است که افرادی، مانند محمد بن موسی و علقمه توثیق مشخصی ندارند.

همین عدم تضعیف، کافی است که نقل بزرگانی همچون ابن قولویه و شیخ طوسی از آنان را نوعی توثیق و اعتماد به حساب آوریم.

از این گذشته اقبال بزرگان و اولیای دین به این زیارت و تقید و التزام به خواندن آن و توصیه به مریدان و پیروان خود آشکارا جبران کننده است.

برخی عدم توثیق ها موردی است. اشاره به نمونه هایی از این اقبال و التزام و توصیه ها مناسب به نظر می رسد:

تقریباً تمامی بزرگان شیعه دارای چنین سیره ای (مداومت بر زیارت عاشورا) بوده اند، هر چند انعکاس زیادی نداشته و ندارد. چرا که معمولاً در چنین مواردی، انگیزه بر اخفا و کتمان است، نه افشا و اظهار، اما موارد آموزنده ای را می توان سراغ گرفت:

۱- مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی که میرزای شیرازی دوم (میرزا محمد تقی) او را استوانه فقه نامیده و در مرگ او گریسته اند، در سی سال آخر عمر، زیارت عاشورا را ترک نکرده و هر روز که به سبب بیماری یا امری دیگر نمی توانست بخواند، نایب می گرفت^۱.

۲- علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان، در تمام ماه محرم و صفر، به زیارت عاشورا و توسل به امام حسین (ع) مقید بود و از نسخه مرحوم قاضی، استاد خود استفاده می کرده که کلمه «بک» در «اکرمی بک» را حذف می کرده و به جای «امام هدی» «امام مهدی» می فرموده است.

۱. عبدالحسین دستغیب، داستانهای شگفت، ص ۲۷، داستان شماره ۱۱۰.

مرحوم شهید قدوسی هم که ناقل این فراز است، خود به زیارت عاشورا مقید بوده است.^۱

۳- بنیان‌گذار حوزه علمیه قم مرحوم حاج شیخ «عبدالکریم حائری یزدی» فرموده که به دنبال مرض وبا و طاعون، در شهر «سامراء» عراق استادمان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی، به عده‌ای از اهل علم، توصیه و تاکید نمودند که برای دفع این بلا به شیعیان ساکن شهر بگویید همه مشغول خواندن زیارت عاشورا شوند و ثوابش را به روح نرجس خاتون، والده ماجده امام عصر هدیه کنند. از آن به بعد، تلف شدن شیعه متوقف شد و تنها عده‌ای از عامه می‌مردند. برخی از آنها از فامیل شیعه خود، علت این پدیده شگفت را پرسیدند: گفتند به خاطر زیارت عاشورا آنها هم خواندند و بلا، از آنها برطرف گردید.^۲

۴- امام خمینی ره بنیان‌گذار نظام اسلامی ایران، در دهه عاشورا، هر روز زیارت عاشورای معروف را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن می‌خواندند.^۳

نیم نگاهی به محتوا

نگاهی کلی و گذرا به متن و محتوای زیارت عاشورا، به خصوص ابراز انزجار و لعن و نفرین به کسانی که زمینه ساز فاجعه کربلا و شهادت و اسارت اولیای خدا بوده‌اند، انسان را با این پرسش اساسی، مواجه می‌کند که آیا بحث و نشر و اهتمام به این زیارت نامه، با وحدت امت اسلامی و هم‌سویی فرقه‌های مختلف که به ویژه پس از انقلاب مورد تأکید و توصیه نظام جمهوری اسلامی و عقلائی قوم از هر دو طرف بوده و هست، در تنافی نیست؟

۱. سیمای فرزندگان، ص ۱۸۸ به نقل از یادنامه شهید قدوسی.

۲. دستغیب، همان، ص ۲۶۹ داستان ۱۴۳.

۳. سیمای فرزندگان، ص ۱۷۹.

در پاسخ این پرسش نکاتی روشنگر است:

۱- جایگاه امامت معصومین در فرهنگ تشیع

امامت، بسیار فراتر از یک مسئله تاریخی، سیاسی و حکومتی است. امام محور عالم هستی است و بقای نظام آفرینش الهی به برکت انسان کامل و پیشوای معصوم در هر زمانی است^۱؟

در نوشته‌های فلسفی و عرفانی هم، انسان کامل را عامل بقای نظام هستی می‌دانند.^۲

بنابراین، اهمیت امامت در فرهنگ شیعه تنها از رهگذر حکومت و سیاست تاریخی نبوده و نیست.

۲- اهمیت بعد سیاسی و تاریخی امامت

یعنی اگر تنها از همین زاویه و با قطع نظر از جایگاه رفیع معنوی آن، به امامت و ولایت شیعی نگریسته شود، باز هم بسیار پراهمیت است.

بدین بیان، شکی نیست که انتقال و جای‌گزینی یک فرهنگ نیاز به تدریج زمان و ظرافت‌ها و حساسیت‌های اجرایی و عملی دارد. چنین انتقالی اگر بخواهد ماندگار و ریشه دار باشد، هیچ‌گاه دفعی و معجزه وار، صورت نمی‌گیرد و این را شاید بتوان جزء سنت‌های تاریخی و تغییرناپذیر خداوندی دانست.

در حیات رسول اکرم جای‌گزینی فرهنگ اسلام به جای فرهنگ جاهل و شرک و کفر، با توجه به رحلت زودرس حضرت و وجود موانع جدی کار فرهنگی و ضرورت برنامه ریزی و برخورد مناسب با آنها، مستلزم یک طرح تشریعی جامع بود، تا انتقال فرهنگ، در یک فرایند صحیح و مطمئن و در ظرف زمانی لازم، به انجام برسد.

۱. کلیبی، اصول کافی، ج ۱، باب ان الارض لا تخلو من حجة، ص ۱۷۸.

۲. حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، ج ۲، نکته ۸۸۲، ص ۷۲۵.

این طرح همان روح و فلسفه اصلی امامت شیعه است که در زیارت عاشورا، به خوبی منعکس شده، دوازده نفر پس از رحلت رسول ﷺ که عصمت و صحت اندیشه و علمشان، همانند خود رسول ﷺ از جانب خدا تضمین شده است و با تمام خصوصیات و ابعاد وجودی و نیازهای انسان، آشنایند، در نظر گرفته شده و معرفی شده‌اند.

به طور طبیعی دوازده نسل با تعلیم‌ها و برنامه‌های ویژه آنها، تربیت می‌شدند و در طول زمان و به تدریج، تمام رسوبات فرهنگ جاهلیت و شرک، زدوده می‌شد و توحید جای گزین می‌گشت و بشر به رشد و اعتلای روحی و فکری و عقلی می‌رسید که به فرض اگر پس از آن، ولی معصومی هم در میان آنان نبود، قادر به راه‌یابی و نیل به اهداف و مقاصد اصلی آفرینش می‌بودند گرچه - چنان که اشارت رفت - هیچ زمانی، از وجود حجت معصوم خدا خالی نخواهد بود.

البته فلسفه اصلی عدد دوازده برای ما روشن نیست و قطعاً خصوصیتی دارد که بی اطلاعیم. قدر مسلم، این طرح تشریعی، برای هدایت و تربیت انسان‌ها، کاملاً با موازین عرفی و عقلی متطابق است.

به تعبیر زیبایی فرازی از همین زیارت عاشورا، مرتبه وجودی ائمه معصومین ﷺ حتی به لحاظ تشریعی، از جانب خداوند، معین شده است: «... لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم و ازالکم عن مراتبکم التي رتبکم الله فیها»؛

نفرین خدا بر آنان که شما اهل بیت را از مقامتان برکنار نموده و از مرتبه و شأن و موقعیت خدایی، زائل و دور کردند و امت اسلامی و بشریت را از برکات وجودی شما محروم نمودند.

اگر تصور و ذهنیت ما از امامت، این گونه باشد، در صد خسارت‌ها و ضایعات عمیق و وسیعی که نه تنها امت اسلام، بلکه تمام بشریت از آن انحراف اولیه متحمل شده و هنوز هم ابعاد زشت و منفی آن در هر جا و مکانی، به چشم می‌خورد، برایمان آشکار و محسوس‌تر خواهد بود.

بدین جهت، این نقطه انحراف را، سیاه‌ترین نقطه و این مقطع را ظلمانی‌ترین و نفرت‌بارترین مقطع تاریخ اسلام خواهیم دانست، حادثه کوچکی نبوده که بتوان آن را، نادیده گرفت و یا از تلخی و زشتی آن کاست.

از این رو، در عین حال که باید در مشترکات با برادران اهل سنت همکاری کنیم و در برابر کسانی که در پی براندازی اساس اسلام و دست‌نشان‌دگی ملت‌های اسلامی اند، به حکم عقل، باید وحدت و همکاری و همراهی در عرصه‌های گوناگون داشته باشیم، ولی آن اصول اساسی و مبانی اعتقادی خودمان را نباید کوچک شماریم و لازم است، حدود و حساسیت‌های خود را حفظ کنیم. البته در شکل و قالب‌های معقول و منطقی، نه شکل‌های افراطی و گاهی مبتذل که نه شرعاً قابل دفاع است و نه به لحاظ عرف و عقل، به مصلحت، تا آن زمان که حکم و قضای رب العالمین، با امضای ظهور و فرج حضرت ولی عصر (عج) صادر شده و تکالیف را یک‌سره کند و به انتظارها پایان دهد. انشاءالله.

نکته‌های پایانی

۱- زیارت عاشورا، با این محتوای بی‌مانند که نقطه اصلی انحراف و بستر رویش مظالم و مفاصد بزرگ بعدی را مورد توجه قرار داده - چنان که گذشت، - از حضرت باقر (ع) است. زیارت‌نامه‌ای که در لحن و بیان حقایق تاریخی و تولا و تبرای شیعی، بی‌نظیر است. این متن به ریشه اصلی بیگانگی بشر و به ویژه امت اسلامی از حقیقت اسلام و بروز این همه ضعف و کاستی و در یوزگی اشاره و راه درمان و علاج آن، که بازگشت و تمسک به فرهنگ اهل بیت است را یادآوری نموده؛ همان واقعیتی است که همین امام همام (ع) در بیانی دیگر هم اشاره کرده و فرموده: «بلیة الناس علینا عظيمة ان دعونا هم لم یستجیبوا لنا و ان ترکناهم لم یهتدوا بغیرنا»^۱.

ابتلا و آزمون و سختی‌های مردم بر ما گران و سنگین است، چرا که نه دعوت ما را برای هدایت می‌پذیرند و نه جز از طریق و توسط ما، امکان هدایت دارند.

انتساب این زیارت، به باقرالعلوم علیه السلام و تبلیغ منفی و خورده‌گیری‌های احتمالی، از آن حضرت در این خصوص، از ناحیه بدخواهان و ظاهرگرایان و سطحی‌نگرها و قشریون برخی فرقه‌ها، و یا دوستانی که به بهانه وحدت، خواهان کنار نهادن پاره‌ای اعتقادات و نادیده گرفتن بخشی از حقایق مسلم تاریخی هستند. شاید یکی از علل توجه ویژه و انحصاری امام خمینی علیه السلام در وصیت نامه سیاسی الهی خود، به حضرت باقر علیه السلام است؛ آن جا که در کنار افتخار به پیروی از قرآن، نهج البلاغه، صحیفه‌های سجادیه، فاطمیه، و مذهب جعفری، و ائمه معصومین علیهم السلام از حضرت باقرالعلوم علیه السلام به طور جداگانه و به عنوان بالاترین شخصیت تاریخ، نام می‌برد:

«ما مفتخریم که باقرالعلوم بالاترین شخصیت تاریخ و کسی که جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مقام او را درک نکرده و نتواند کرد، از ماست»^۱.

۲- فرازهای پایانی زیارت عاشورا و صد مرتبه لعن و سلام، آیا به همان صورت طولانی باید تکرار شود، یا تنها همان جمله و فراز آخر؛ یعنی: «اللهم العنهم جميعاً» و «السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اصحاب الحسین» کافی است؟

در مقدمه‌ای که آقای سید محمدرضا نوری نجفی، بر مفاتیح الجنان معرب نوشته است، اکتفا به همان جمله آخر را مورد تأکید و تقویت قرار داده است. استنتاج و سخن ایشان را در کنار تسامح در ادله سنن و مستحبات اگر در نظر گیریم^۲؛ پذیرش آسانتری خواهد یافت. گرچه سیره و روش بزرگانی مانند مرحوم سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروة الوثقی) و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم)

۱. محمد رضا نوری نجفی، مقدمه مفاتیح الجنان معرب.

۲. عبدالله سنن، الاصول الاصلیة و القواعد الشرعیة، ص ۱۶۴.

و...طبق نقل، خواندن و تکرار همان صد مرتبه لعن و سلام طولانی و کامل بوده است.^۱
 خداوند به شیعیان و محبتان اهل بیت (ع) توفیق شکر نعمت والای ولایت و به
 تمام انسان‌ها نعمت پذیرش و تمکین هدایت هادیان و والیان الهی و نهایتاً حکومت
 عدل جهانی حضرت صاحب الامر - ارواحنا فداه - را عنایت فرماید.
 والسلام

۱. محمد علی طهرانی، برخی مقاتل الجئان‌ها، حاشیه زیارت عاشورا.